

خطاب به همه ی آنانیکه خود را در برابر میهن و مردم ، متعهد میدانند

افغانستان امروز کشوریست که در آن تعدد احزاب جلال قانونی دارد. احزاب موجود در کشور یا احزاب قومی ، زبانی و منطقه یی است ، یا احزاب بسیار کوچک که شامل محاسبه های سیاسی نمی باشد . مشخصه بارز اکثریت مطلق این احزاب را عدم تعهد آنها در برابر دموکراسی ترقی ورفاه مردم تشکیل می دهد ، احزاب قربانی معامله گری های زیان باری است که آگاهانه یا غیر آگاهانه به آن چسبیده اند ، دیگر مردم و میهن از دایره ی تفکر این احزاب بیرون رانده شده است.

ناکام شدن گروه حاکم در تمثیل دموکراسی ، در جریان انتخابات ریاست جمهوری ، کم مشقی و بی استعدادی حیرت آوری را به نمایش گذاشت ، آنهم به آن حدی که کارگردانهای پشت صحنه ی سیاسی مجبور به طی راه های پیشبینی نا شده و نا متعارف شدند.

عدم اشتراک کافی مردم در پروسه ی انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که مردم از سیاست موجود و حاکم نا راضی و دلزده اند ، عدم موجودیت و حضور حزب قوی مردمی نیز به وضاحت بر ملا گردید . حزبیکه در استقامت دادن مردم به خط منافع مردم می بایست فعال می بود.

نا امنی تا اقتصای کشور مانند شیطان شرارت نفوذ می کند و نیروهای مسلح داخلی و خارجی از مهار آن عاجز می ماند.

خطر تسلط بنیاد گرایی ، روز تا روز افزونتر می شود و سایه ی تفکر آن در قلوب و اذهان نفوس نموده ، گسترش می یابد.

استراتیژی رئیس جمهوری امریکا : آقای او با ما که تا کید به خارج شدن نیروهای امریکا ، ناتو و در مجموع قوت های خارجی از افغانستان دارد ، خطر توسعه و تسلط بنیاد گرایی را تقویه می کند.

کمرک های بزرگ اقتصادی جهان در ملای عام به غارت برده می شود ، در حالیکه
 اخطار های جدی و جود دارد که غرب به این وضعیت ادامه داده نمی تواند.
 فساد در همه ی شئون دولت حاکمیت دارد ، مافیای اقتصادی بیداد می کند ، کشت و
 ترافیک مواد مخدر تا حد یک خطر ملی تقویت یافته است.

فاصله طبقاتی بزرگ و بزرگتر می شود ، عده ی از راه های غیر قانونی و فساد ، صاحب
 همه ثروت ها می شوند، در حالیکه کتله های وسیع مردم از فقر و بیکاری رنج می
 برند.

تمامی حلقات روشنفکری کشور که به مردم و میهن فکر می کنند و اندیشه ترقی و
 رفاه را در سر می پروراند ، از ضمیر و اندیشه تا حضور و عمل خویش از ضرورت ایجاد
 یک حزب بزرگ و اثر گذار درسیاست های کشور صحبت می کنند.

احزاب کوچک روشنفکری اگر بسوی وحدت و اتحاد نیروها گام بر ندارند ، قانون جدید
 احزاب آنها را از صحنه ی سیاست جاروب خواهد کرد و یا همچنان خالی از اهمیت
 باقی خواهند ماند .

همه ی تحلیل های جامعه شناسانه ، از نقش الزامی که باید احزاب بعهدده بیگردند سخن
 می گوید .

دیگر زمان احیای مبنا های تیئوریک مبارزات د مرکزاتیک و ترقی خواهانه ، هویت
 های بزرگ سیاسی و رفع بحران اعتماد بو جود آمده است ، دیگر ما در پیام سده ی
 بیستم قرار نداریم.

از این رو با یقین می توان گفت که جایگاه حزب نیرومند ، مقتدر و بزرگ ملی که از
 دموکراسی ، ترقی و رفاه مردم حمایت نماید ، بافساد در هر شکل آن مبارزه کند ، و
 برای از میان برداشتن پدیده های شرم آور فقر و بیکاری و عقب مانده گی به پاخیزد ،
 برای وحدت ملی تلاش نماید و پیرو سیاست تر قیخواه هانه ، معتدل و مدنی باشد ،
 خالی است ، حزبیکه بتواند منشا اثر بر روند های سیاسی کشور باشد.

رفقای عزیز

امروز تلاش برای ایجاد حزب نیرومند ، با نفوذ و اثر گذار بر سیاست های کشور از استقامت های مختلف به راه افتاده است .

غرب نیز سعی خواهد کرد تا به این سوال تاریخی یعنی کثرت انقطابها پاسخ مناسب و در خور بیابد و برای محدود کردن آن به دو یا سه محور تلاش خواهد نمود.

ولی تمامی این کوشش ها ، از جانب غرب ، فاقد دو امر مهم و ضرور خواهد بود.

غرب کادر سیاسی تحصیل کرده و با تجربه لازم و کافی که بتواند وظایف اداره و محدود کردن انقطا بهای موجود و تنظیم آنها در محورهای پیشبینی شده ، رهبری کند ، ندارد ، لذا از این رهگذر یکی از مراجع سربازگیری رفقای ما خواهد بود.

مسئله دوم ، همان عدم توجه به مردم و نیازهای مردم و حل مسئله فقر و عقب مانده گی کشور است که غرب به آن نمی اندیشد .

هشت سال حضور امریکا و اروپا در افغانستان نشان داد که این مسئله به هیچ وجه ، حتی از موارد فرعی اجندای فعالیت های آنها را در بر نمی گیرد.

نگاه غرب در این مسئله نگاه مدیرانه است که اصل مهم آنها اداره و سازماندهی جامعه افاده می کند به این ترتیب حتی در صورت موفقیت آنها احزاب کلانی خواهیم داشت که راه های معامله گری سیاسی را آزاد و آسان کنند بدون آنکه جامعه نفعی از آن کسب نماید .

دوستان ارجمند

شما نیز در عین زمان به این دو مسئله پاسخ می دهید ، یا به محل سرباز گیری تبدیل میشوید و یا خلای سیاسی موجود را پر می سازید .

اندیشه و عمل شما در آینده نه چندان دور ، این مسئله را به وضوح تمام پاسخ خواهد گفت.

اما قبل از هر چیز میخواهیم خاطر نشان کنم که ما اگر متحد شویم و تهداب چنان حزبی را بگذاریم که توانایی حل مسائل کنونی را داشته باشد و نشان دهیم که یک سیاست معتدل و مدنی الترناتیف قابل پذیرش ، برای بیرون رفت از بحران موجود است ، در این صورت بجای سر بازی در راه اهداف دیگران که خطر دور ریختن مستخدم را در هر لحظه ی خواهد داشت ، خود به پیشاهنگ سیاسی قابل اعتماد مردم بدل خواهیم شد.

یاران عزیز و محترم :

آنچه ما را به نسبت های متفاوت از هم جدا میکند یا نزدیک می سازد ، تاریخ است . زیرا در تاریخ گذشته بنابر موضع گیری ها ، نظرات و اعمالی گوناگون یا با هم نزدیک بوده ایم ، یا از هم جدا شده ایم . بنابراین فقط اندیشه ، عمل و موضع گیری ما در آینده می تواند ما را متحد و نزدیک بسازد.

اگر ما در سیاست ، اندیشه و عمل دارای موضع واحد ، در راستای خط واحد فکری که مبنای آنرا دموکراسی ، ترقی کشور و رفاه مردم و اندیشه های مدنی تشکیل بد هد و بتوانیم خود را تا به آن جایگاه ارتقا دهیم که باور کنیم سیاست را می توان مدنی و انسانی ساخت ، تاریخ آینده ما را متحد خواهد ساخت .

بیایید با صراحت بگوییم :

اگر نظریات بسیار عالی گذشته ، شخصیت های بسیار ممتاز گذشته ، عمل و برنامه های بی همتای گذشته ما را از هم جدا می کند و در راه تشکیل یک وحدت مردمی نقش موانع را بازی می کند ، خالی از هر گونه ارزشی است که بتوان به آن اتکا کرد. تنها آن بخش از افتخارات عام که به هیچ صورت مانع حرکت جنبش به جلو نمی شود و در شرایط امروز و فردا ، جنبش را به پیش میراند و یاری میرساند ارزشمند است.

دوستان محترم :

مبارزه نوین برای اهداف عالی انسانی باید با واقعیت های امروز د مساز باشد ، ما ا رما نگرا نیستیم ، اگر ارمانها مدینه فاضله باشد که دسترسی به آن ممکن نیست ، ارمانهای ما باید بطور دقیق ، واقعی و قابل دسترس باشد ، نه اتو پپای که ده ها نسل قربانی طلب کند و هنوز هم دست نارس باشد.

ما میخواهیم با هم آنچه در توان ما است ، برای ترقی و رفاه امروز و فردای نزدیک کشور و مردم خود انجام دهیم ، آینده های دور را برای نسل های دیگر ، خرد و عمل آنها می سپاریم .

رفقای عزیز:

در اینجا اجازه میخواهم تا از نام شما – تمامی روشنفکران ، اندیشه وران ، حلقات ، محافل ، سازمان های کوچک موجود و همه شخصیت ها مستقل ملی و ترقی خواه را مورد خطاب قرار داده اظهار نمایم.

بیاييد بخاطر ايجاد يك حزب بزرگ و نيرومند ، متكى بر بنياد هاى دموكراتيك ، معاصر و مدنى گردهم آييم و براى اهداف واقعى و دستيافتنى – دموكراسى ، ترقى كشور و رفاه مردم _ مبارزه كنيم.

تشكر